

قصد آمریکا و قصد ایران

از برجام

امیرفیض- حقوقدان

معلوم است که طرفین هر قراردادی هدف و قصد خاصی از انجام قرارداد دارند و آنچه که میتواند در قصد و هدف طرفین قرارداد مشترک باشد این است که هر طرف سعی میکند که طرف مقابل از قصد و هدف واقعی او در انجام معامله آگاه نشود؛ زیرا اگر آگاه شد راه معامله و موفقیت در آن علیه طرف بسیاریز و آشکار خواهد شد؛ و در کلامی ساده همینکه طرف مذاکرات فهمید که طرف احتیاج مبرمی به پول معامله دارد و احتیاج مزبور هم فوری است معامله را با شرائط و حتی مبلغ ارزان تمام میکند.

قصد ایران از مذاکرات هسته ای

❖ اسناد و اظهارات شخصیت های جمهوری اسلامی نشان میدهد که هدف نهانی جمهوری اسلامی از مذاکرات انحصارا متوجه رفع خطر حمله نظامی آمریکا به ایران بوده است.

این هدف و موقعیت جمهوری اسلامی برای آمریکا در مذاکرات هسته ای چیز نامکشوفی نبوده است و بسایت رادیو فرانسه در مهرماه سال ۹۲ نوشت:

>ارزیابی غرب از دولت روحانی تعامل با غرب (فروشنده) است، معامله با دولتی که خود را مشتاق به معامله نشان میدهد خود را ناگزیر از فروش منافع ملی به قیمت سهل و آسان میسازد در این حالت اگر طرف مقابل (غرب) صبور باشد بهترین نوع معامله را با طرف ناچار و مشتاق به معامله خواهد داشت.<

❖ آمریکا از طریق افرادی که در جمهوری اسلامی داشته و دارد دقیقا از قصد جمهوری اسلامی از مذاکرات هسته ای آگاه شده بود و اینکه هیئت نمایندگی ایران هم دل و دماغی به موضوع مذاکرات نداشتند و نخوانده امضا کردند یگی از دلایلی است که هیئت ایرانی بدنبال چیزی بوده است که با شروع مذاکرات تحصیل شده است و آن دفع خطر جنگ و حمله احتمالی آمریکا بوده است.

❖ کری در نامه ای که به آقای ترامپ نوشته مدعی شده که توافق ایران حاصل هزاران ساعت گفتگوست ولی نه تنها هیئت نمایندگان ایران آنرا نخوانده امضا کردند بلکه در مجلس نیز تنها تصویب برجام **۱۵ دقیقه طول کشید** و همه طرحها و پیشنهادات در مورد برجام یکباره بکنار گذاشته شد و آقای ظریف اعلام کرد >مسئله هسته ای که ۱۲ سال بطول کشیده شده بود ۱۵ دقیقه بتصویب رسید< و پشت همه این جریانات هم شخص خامنه ای قرارداد داشت.

بد نیست اضافه شود که کیهان تهران از روال سریع تصویب برجام در عبارت (مثل برق) تصویب شد استفاده کرد.

دولت روحانی مدعی بود که هر روز تاخیر تصویب برجام ۱۰۰ میلیون به کشور زیان وارد میشود

❖ رئیس مجلس اسلامی اعلام کرد >با تصویب برجام هیچ زیانی متوجه ایران نمیشود.<

آخر چگونه ممکن است رئیس مجلس ظرف ۱۵ دقیقه یک قرارداد ۱۵۰ صفحه ای با پیچ و خم های بسیار آنهم تعمدی را خوانده باشد و مطمئن شده باشد که ضرری متوجه کشور نخواهد شد و اساساً اعلام رئیس مجلس کافی است و یا بحث و نقد نمایندگام مجلس لازم است؟

جریان بالا نشان میدهد که جمهوری اسلامی در بند آگاهی از شرایط برجام نبوده بلکه تحصیل حاصل، همان دور شدن خطر جنگ از ایران بوده است.

❖ سرعت بی سابقه جمهوری اسلامی در اجرای تعهدات برجامی خود آنهم تاجائی که بگفته آقای کری ایرانی ها پیشاپیش امتیارات خودشان را از دست میدادند یکی از دلایلی است که نشان میدهد جمهوری اسلامی با امضای برجام به دستاورد مورد نظرش که دفع خطر جنگ بوده رسیده است و سایر شرایط برجام برایش مهم نیست و اگر هم باشد در مراحل بعدی اهمیت قرار داشته است.

❖ دلیل دیگری که برداشت بالا را به تائید نزدیک میکند این است که هیئت ایرانی در مراجع رسمی از جمله کمیسیون مشترک حل اختلاف که هر ۴ ماه یکبار تشکیل میشود کوچکترین اعتراضی به رفتار آمریکا در رابطه با برجام نکرده اند (گزارش خانم موگرنی) (البته جمهوری اسلامی برای مردم نمایش مدعی بودن را داده است آنهم به کرات).

❖ دلیل دیگر که بنظر قابل اهمیت میاید این است که؛ در سال ۱۳۹۴ همزمان با تصویب توافق جامع، مجلس اسلامی قانونی را تصویب کرد، بنام قانون <اقدام متناسب و متقابل جمهوری اسلامی در اجرای برجام> که در این قانون قید شده است؛ جمهوری اسلامی موظف است هرگونه عدم پایبندی طرف مقابل در **در زمینه لغو تحریم ها و یا بازگرداندن تحریم های لغوشده و یا وضع تحریم ها تحت هر عنوان** را با دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته ای را متوقف نماید و توسعه برنامه سریع صلح آمیز جمهوری اسلامی را سامان دهد به طوری که ظرف مدت ۲ سال ظرفیت غنی سازی کشور به ۱۹۰ هزار سو افزایش یابد<

قانون مزبور موقعیت جمهوری اسلامی را در مقابل اقدامات پسا برجام آمریکا کاملاً روشن و ایجاد تکلیف برای دولت نموده و جالب این است که تکلیف هم کلی نیست بلکه جزئیات تکلیف و از آن جمله افزایش سانتیفورژها از ۵،۰۰۰ به ۱۹۰،۰۰۰ هم حتی از لحاظ مدت معین شده است.

در مقابل این قانون به ادعای جمهوری اسلامی آمریکا هم تحریم هارا لغو نکرده و هم تحریم های تازه ای تحت عناوین خاصی علیه جمهوری اسلامی وضع و در حال اجراست و باوجود این جریان، دولت جمهوری اسلامی به اجرای قانون <اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی علیه آمریکا> دست نزده است و عکس العمل دولت تنها به قیل و قال آنهم برای مردم محدود شده است.

علت این است که لغو تحریم ها دستاوردهای دوم و سوم از برجام برای جمهوری اسلامی است جمهوری اسلامی از امضای برجام هدف مقدمش دفع خطر جنگ بوده بقیه مسائل و از جمله تحریم ها از متفرعات است که نه چندان تاثیر بخش است و میتواند با گذشت زمان حل شود و یا با دورزدن آنها راه فراری پیدا شود و آن چیزی که خلاصی از آن ممکن نبود تصمیم شورای امنیت به اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی بود.

فیل جمهوری اسلامی

با رفع خطر جنگ از جمهوری اسلامی و تحقق خواسته اصلی از مذاکرات برجام فیل جمهوری اسلامی یاد دوران قبل از برجام یعنی ایام فعالیت هسته ای خود افتاد و شروع به بهانه گیری کرد از جمله که آمریکا برخلاف برجام عمل کرده است؛ شعار آمریکا نسبت به برجام خلف وعده کرده از همه سو فراگیر شد تا جایی که سرلشگر باقری رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی هم وارد معرکه شد و گفت «در صورت بازگشت تحریم ها ماندن در برجام بی فایده است».

هم امروز گزارش سوم ۸ ماهه برجام به مجلس، صحبت از ۲۸ مورد نقض آشکار برجام به ادعای جمهوری اسلام است (یادتان باشد که در کمیسیون مشترک که دو هفته قبل در نیویورک تشکیل شد ایران یک کلمه از عدم تعهدات آمریکا اعلام نکرد و کمیسیون با استفاده از عبارت «هیچیک از طرفین برجام ادعا و یا اعلام اختلافی نکردند» پایان یافت.

روزنامه کیهان تهران، ارکان سیاست و خواسته های خامنه ای هم تنها راه رفع مشکلات کشور را خروج از برجام اعلام کرده است. وزیر خارجه جمهوری اسلامی هم خروج از برجام را محتمل دانسته است.

از آنجائیکه جمهوری اسلامی با قانون مهرماه سال ۹۴ تکلیف دارد که در مقابل ایجاد تحریمها دست به اقدام متناسب بزند میتواند خروج از برجام را به اقدام متقابل تعبیر کند و باز از آنجا که قانون مزبور دولت جمهوری اسلامی را مکلف به فعالیت مجدد هسته ای قبل از برجام ساخته جمهوری اسلامی ب فکر آن است که از جریان هیاهوی نقض برجام از سوی آمریکا استفاده کرده و به حالت قبل از برجام برگردد و در کلامی روشن علت خروج از برجام را تخلف آمریکا قلمداد کند.

دستاورد

دستاورد از مقوله طرح بازگشت به دوران قبل از برجام از سوی جمهوری اسلامی که با خروج از برجام بنظر آن جمهوری ممکن میشود، یک خواست نهفته سیاست آمریکاست که مایل است تا بدست جمهوری اسلامی برجام سقوط کند؛ زیرا خودش در رابطه با برجام کاره ای نیست که بتواند نقشی در سقوط برجام داشته باشد زیرا خروج آمریکا ویا هریک از اعضای ۵+۱ تاثیری در جریان برجام ندارد و فقط جمهوری اسلامی است که با خروج از برجام شورای امنیت را در مقابل خود قرار خواهد داد.

توضیح مهم

توضیح اینکه بهر علتی که جمهوری اسلامی از برجام خارج و یا به اعتبار گزارش آژانس بین المللی اتمی جمهوری اسلامی از تعهدات برجام کوتاهی کند، بدون نیازی اقدام آمریکا و یا مخالفت کشورهای روسیه و چین تمامی تحریم های شورای امنیت که بموجب قطعنامه ۲۲۳۱ تعلیق شده است مجدداً برگشت خواهد شد و این همان چیزی است که آمریکا بدنبال آن بوده ولی قادر به انجام آن نیست؛ زیرا بعد از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ همانطور که کرارا استدلال شد آمریکا و کشورهای ۵+۱ کاره ای نیستند که بتوانند تصمیم تازه ای بگیرند.

قصد آمریکا از برجام

هدف و قصد آمریکا از برجام در دو جهت است یکی تامین هدف و منافع سیاسی آمریکا و دیگری تامین اهداف اسرائیل.

تسلط و منافع سیاسی آمریکا

هدف آمریکا از دنبال کردن برجام تنها استقرار سلطه سیاسی و اقتصادی بر ایران است و در این راه بشرح تحریرات سابقه تاحدودی زمینه های توفیق آمریکا هم قابل ملاحظه است و با جریانی که بطور قهری ویا اجرائی علیه خامنه ای صورت خواهد گرفت خواست وهدف آمریکا بوسیله جناح اصلاح طلب حکومت کاملاً تامین میگردد و این حرفی بود که وزیر خارجه جدید آمریکا آقای تیلرسون هم به آن اشاره کرد.

حساست ما در قبال ایران این است که هژمونی و استیلای ایران را عقب بزنیم، توانایی آنها را در تولید تسلیحات اتمی مهار کنیم **و از عناصری در داخل حمایت کنیم** که منجر میشود به انتقال مسالمت آمیز حکومت **و البته همانطور که میدانیم این عناصر در ایران حضور دارند** (۲۵ خرداد ماه ۹۶)

اجرای این سیاست آمریکا نیاز به صبر و زمان دارد <گرسبرکنی زغوره حلوا سازم> و اگر این صبر طولانی شود آنوقت بطور حتم اقداماتی که میتوان فرض کرد باید منتظرش بود.

جهت اسرائیل

از آنجا که بین آمریکا و اسرائیل یک قرارداد نظامی است که حمله به اسرائیل به منزله حمله به آمریکا تلقی میشود قدری نادرست است که بین اهداف آمریکا در برجام قائل به دوجبهه شد یعنی بین اهداف اسرائیل و آمریکا قائل به تفاوت گردید؛ ولی بهر حال با آنکه ممکن است ماهیت اهداف یکی باشد ولی زوایای آن یکی نیست.

خلع سلاح موشکی و اتمی و هرنوع سلاحی که امنیت اسرائیل را به مخاطره اندازد هدف نیابتی آمریکا در برجام است. آمریکا بمناسبت عوارض سنگینی که از حمله احتمالی جمهوری اسلامی به اسرائیل متوجه کشورش میباشد زیرا باید در جنگ علیه ایران و به حمایت از اسرائیل مشارکت کند بهر قیمتی که شده مانع فعالیت های موشکی و تسلط به فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی خواهد شد؛ و این مشکل را هم خود جمهوری اسلامی بوجود آورده است با تظاهر به موشکهایش که به شهادت جهانیان اسرائیل را هدف نابودی معرفی کرد و اکنون هم مدعی است که موشکهایش برای حمله به پایگاه های آمریکائی در کشورهای همسایه ایران آماده است؛ آنها هم همراه توضیحاتی که نشانه ای از قصد بی تامل آنها علیه آمریکاست به جهانیان حق خواهد داد که از اقدامات پیشگیرانه آمریکا که از آن جمله است تحریم سپاه پاسداران و غیره حمایت کنند.

جهانیان و بیشتر آمریکا حق دارند و باید از تهدیدات سپاه پاسداران به نابودی اسرائیل وحشت کنند و تهدیدات و مسلح شدن جمهوری اسلامی را به موشک و سلاح های هسته ای جدی بگیرد و در مقام دفاع و پیشگیری برآیند زیرا تهدید مزبور از متفرعات اجرای صدور اسلام به تمام کشورهای کفر است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بصورت تکلیف دولت و ملت درآمده است.

درست است که کشورها حق دارند بنیه دفاعی خودشان را تقویت کنند و جمهوری اسلامی هم به همین دلیل و حق متکی است ولی قضیه مصداق قسم حضرت عباس است و دم خروس؛ اگر تقویت قدرت دفاعی موشکی رابطه با دفاع از کشور دارد صراحت و تاکید قانون اساسی جمهوری اسلامی بر

صدور انقلاب و اسلام بتمام کشورهای جهان و این تکلیف مشخص دولت های جمهوری اسلامی چه رابطه ای میتواند با فعالیت های موشکی جمهوری اسلامی داشته باشد بغیر از تهاجم بر کشورهای دیگر.

سیاست اتمی و جهان

جهان دروضع خطرناکی ازسلاح هسته ای قراگرفته که واقعا بمب های اتمی هم روی دست کشورهای دارنده مانده است که با آنها چه بکنند؛ این حساسیت مانع است که کشورهای بزرگ بگذارند که فعالیت هسته ای غیرصلح آمیز ادامه یابد؛ این است که تمامی کشورها با اقدامات جلوگیری ازفعالیت هسته ای هم آوازه هستند و جمهوری اسلامی نمیتواند روی دوستی و نزدیکی روسیه دراین مورد حساب کند.

سلطنت طلبان در نسخه راه آمریکا

نسخه آمریکا برای پسا برجام درجهتی که مختص خودش است همانطور که عرض شد، براساس صبر و تامل و گذشت زمان است تا تحولات درونی کشور زمینه را برای ادامه بلا متازع جمهوری اسلامی بوسیله عوامل آمریکائی حاضر در دولت و مجلس فراهم سازد و در این راه مانع بزرگی که میتواند سلطنت طلبان کشور باشند درحالت خاص خودش در کنترل آمریکا و اسرائیل قرار دارد و از این لحاظ نمیتواند ماتی بشمار رود.

این هم ناگفته نماند که هر قدر انجام نسخه آمریکا در استقرار سلطه سیاسی و اقتصادی خود بر ایران نزدیک تر میشود، تحریم سیاسی سخت و علیحضرت و همچنین طرفداران تداوم سلطنت هم در خارج از کشور شدید تر میگردد و فصل تهاجمات تازه علیه خاندان سلطنت خاصه علیاحضرت از سوی عوامل نشاندار وابسته به خارجی نمونه بارز آن است، افزایش میابد و عجیب تر از همه اینکه رسانه ها به اتفاق، آنها بر خلاف شیوه و شهرتی که داشتند از حمایت از علیاحضرت بمناسبت اتهامی که به ایشان به وسیله فخر آور زده شده امتناع مزورانه ای کردند که هرگز انتظار نبود، چرا که سیاست اضمحلال توجه و حمایت و انتظار از خاندان سلطنت همچنان برقرار و ادامه دارد.

تغییر بانگاه تحریم علیحضرت

تحقیقات، نشان میدهد که از سال ۱۳۵۸ تا زمان اوپاما پایگاه محافظت از تحریم سیاسی علیحضرت (طرح هنری پرشت) وزارت خارجه آمریکا و دستگاههای وابسته به آن بوده است، که اوپاما به ملاحظه مذاکرات سیاسی و برجامی با ایران نه تنها همچنان مانع فعالیت سیاسی علیحضرت گردید بلکه مدیریت عمل را هم به فرانسه داد و تشکیل شورای تجزیه طلبان و ورود پیرزاده و گلستان که گفته میشود از مامورین اطلاعاتی دولت فرانسه هستند نقش پاسداری از تحریم سیاسی علیحضرت را عهده دار شدند حضور آقای ترامپ سرفصل جدیدی را برای کنترل سیاسی فعالیت علیحضرت رقم زد

و ماموریت پاسداری و تضعیف سلطنت و زمینه سازی برای تحقیر و ایجاد اتهامات واهی، به دولت اسرائیل واگذار شد و امروز سلطنت طلبان که میخواستند از وجود آقای ترامپ برای آزادی پادشاهشان بهره مند شوند متأسفانه ابعاد این تحریم بمراتب سخت تر از گذشته گردیده است.

جهت منافع اسرائیل

گرچه میتوان گفت که با تسلط آمریکا بر ایران و روی کار آمدن بلا منازعه جناح آمریکایی اصلاح طلبان، مشکل تهدید اسرائیل و کشورهای عرب حل و فصل خواهد شد و حتی کار به شناسایی اسرائیل هم خواهد رسید ولی فشار اسرائیل که از آمریکا دوراندیش تر و بیشتر نگران است نمیگذارد که آمریکا دست به عصا راه برود و کنگره آمریکا که در جهت منافع اسرائیل حساسیت خاصی دارد محرک دولت و سیاست آمریکاست که از طریق تحریم ها سپاه پاسداران را قلع و قمع و آسایش خیال اسرائیل را فراهم سازد.

ناگفته نماند که مسئله حقوق بشر یک لافی برای ایجاد صلاحیت ایجاد تحریم های تامین منافع و امنیت اسرائیل است و الا آمریکا علاوه بر آنکه خودش ناقض اعلامیه جهانی حقوق بشر است از کشورهایانی مانند عربستان که اصلاً پدردن نقض حقوق بشر است حمایت میکند و اعتراضی هم ندارد.

تأثیر تحریم ها

بفرصت دیگری